

## تبیین کارکردی شهر آبادان با تکیه بر نقش شرکت نفت ایران و انگلیس در شکل‌گیری ساختار شهری و طبقات اجتماعی آبادان (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش)

حمید حاجیان پورا<sup>۱</sup>  
اکرم کاوسی<sup>۲</sup>

### چکیده

شبه‌جزیره آبادان دارای پیشینه تاریخی طولانی است و عوامل مختلفی به تشکیل و تداوم حیات این شبه‌جزیره کمک کرده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، موقعیت جغرافیایی است. شهر آبادان در کمتر از ۳۰ سال بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ ش. از یک روستای کوچک به یکی از شهرهای پرجمعیت و توسعه یافته در ایران تبدیل شد. مقاله حاضر بر آن است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مطبوعات به تبیین کارکردهای این شهر بپردازد و به سبک تاریخ‌نگاری فرودستان (سوبالترن) بررسی کند که شرکت نفت ایران و انگلیس چه تأثیری بر شکل‌گیری طبقات اجتماعی و ساختار شهری آبادان در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. داشته است.

شهر آبادان با توجه به سیاست‌های حکومت مرکزی و موقعیت جغرافیایی برای تداوم حیات خود کارکردهای متفاوتی داشته است، اما اکتشاف نفت مهم‌ترین عامل جذب جمعیت در این شهر بود. تأثیر مستقیم پالایشگاه نفت بر روی ساختار شهری آبادان سبب شکل‌گیری سه طبقه اجتماعی شد و این شهر را به یک شهر طبقه‌بندی شده تبدیل کرد. در این دوران، بزرگ‌ترین طبقه کارگری که در پایین‌ترین سطح اجتماعی، رفاهی و هویتی بودند در آبادان به وجود آمد. **کلیدواژه‌ها:** آبادان، شرکت نفت ایران و انگلیس، طبقه کارگری، کارکردهای شهری، سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول. شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، گروه تاریخ. (Hhajianpour@yahoo.com).  
۲. \* پژوهشگر تاریخ. (akram\_kavoosi@yahoo.com).

## مقدمه

با گسترش یکجانشینی، شهرها و روستاهای مختلفی با کارکردهای متفاوت به وجود آمدند. توسعه دانش بشر و صنعتی شدن جهان بر عوامل تشکیل شهرها با کارکردهای متفاوت، وسعت و قدرت آنان تأثیر بسیاری داشت. در گذشته شهرها برای رشد اولیه، باید دارای موقعیت جغرافیایی، تجاری، سیاسی، مذهبی و شرایط آب و هوایی مناسب بودند، اما با افزایش دانش بشر دلایل متعدد دیگری به کارکرد شهرها افزوده شد.

آبادان جزیره‌ای است که در دلتای شط‌العرب قرار دارد. در دوره پهلوی طول این جزیره ۸۴ کیلومتر و عرض آن میان ۶ تا ۳۰ کیلومتر متغیر بود. شهر آبادان در ۳۱ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی گریونیچ واقع شده است (سلطانی بهبهانی، ۱۳۴۲: ۱۱۱). از طرف شمال و مشرق به رود کارون و بهمن شیر و از طرف مغرب، به شط‌العرب و جنوب آن به خلیج فارس محدود می‌شد (کیهان، ۱۳۱۱، ج ۲، ۴۶۶-۴۶۷). قسمت عمده جزیره آبادان صحرا و شوره‌زار است، اما به دلیل شیرین بودن آب شط‌العرب، دو طرف آن پوشیده از نخلستان‌هایی است که بلافاصله از کنار دریا شروع می‌شود. عرض این نخلستان‌ها در هر دو سو حدود یک کیلومتر است. بعد از نخلستان‌ها جلگه‌ای صاف و لم‌یزرع بود (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷۲). هرچند شبه‌جزیره آبادان دارای قدمت بسیار زیادی است، اما تا اوایل قرن بیستم دهکده کوچکی بود که تعدادی خانوار در خانه‌های گلی و کلبه‌های حصیری آنجا زندگی می‌کردند و از طریق ماهیگیری، بهره‌برداری از نخلستان، صنایع دستی (حصیربافی) و به میزان اندکی دادوستد امرارمعاش می‌کردند (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۲-۳۱۵).

شبه‌جزیره آبادان دارای پیشینه تاریخی طولانی است. عوامل مختلفی به تشکیل و تداوم حیات این شبه‌جزیره کمک کرده است. برخی از محققان معتقدند یکی از شهرهای (دیلمون، مکن و ملوخ) ذکر شده در کتیبه‌های مربوط به تمدن بین‌النهرین، نواحی جنوب غرب ایران یا نواحی آبادان کنونی بوده است (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۱۴). بر اساس این فرضیه و کارکردهای بیان شده برای این شهرها، در آن زمان شهر آبادان کارکرد تجاری داشته است. محل ارسال یا انبار برخی از اقلام تجاری؛ مانند چوب یا سنگ به بین‌النهرین بود. در زمان هخامنشیان و ساسانیان، آبادان و نواحی اطراف آن غیر از زمان کوتاهی بعد از حمله اسکندر، جزو ایالات ایران بود (لهسانی زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۵ و زرین کوب، ۱۳۶۴: ۴۱۶). کارکرد تجاری- نظامی مهم‌ترین نقشی است که این شهر ایفا کرده است. پس از فتح ایران توسط مسلمانان، در منابع دوران اسلامی به‌ویژه منابع جغرافیایی، شهر آبادان جزء چهار شهر بارونق و دارای عمران و آبادانی بیان شده است<sup>۱</sup> (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۷۶۲). در برخی منابع این شبه‌جزیره به‌عنوان

۱. (این چهار شهر عبارتند از اسکندریه، عسقلان، عبادان و قزوین)، تاریخ گزیده، حمد الله بن ابی بکر بن احمد (نوشته در)، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر، چ سوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۷۶۲.

محلی برای باراندازی کالاها یا یک محل تجاری<sup>۱</sup> و در برخی دیگر کارکردی عبادی و مذهبی آن بیان شده است؛<sup>۲</sup> اما بیشتر منابع به شرح موقعیت جغرافیایی، وضعیت، شرایط آب‌وهوایی و شرایط رو به افول آبادان در سال‌های بعد اشاره کرده‌اند؛<sup>۳</sup> بر این اساس، می‌توان بیان کرد، در زمان ورود اسلام به ایران، آبادان رونق تجاری نسبی خوبی داشت که با گذشت زمان از رونق آن کاسته و به یک روستای کوچک تبدیل شد. چنانچه بیان شد شبه جزیره آبادان در دوران حیاتش کارکردهای متفاوتی داشته است. با تکیه بر این مطالب، می‌توان بیان کرد موقعیت جغرافیایی آبادان باعث شده است این محدوده با قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک بتواند کارکردهای متفاوتی بپذیرد و در طول تاریخ ایران حیاتش تداوم داشته باشد، اما با اکتشاف نفت ساختار اجتماعی و اقتصادی این منطقه تغییر کرد. این پژوهش بر آن است تا با نگاهی نو نقش شرکت نفت ایران و انگلیس را در شکل‌گیری ساختار شهری و طبقات اجتماعی شهر آبادان به‌ویژه طبقه کارگری در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. بررسی کند.

آبادان در قرن هشتم هجری یک ده بزرگ، در سرزمینی شوره‌زار بود. ساکنان آنجا به تدریج زمین‌های شوره‌زار را زه‌کشی کردند و نخلستان‌های وسیعی به وجود آوردند، اما پیشرفت چندانی نداشت و رو به ویرانی رفت (سعدیان، ۱۳۶۰: ۴۷۴). شبه جزیره آبادان تا اواخر دوران قاجاریه، با عقب‌نشینی تدریجی آب، شرایط بهتری برای فعالیت‌های کشاورزی، دام‌پروری و صیادی پیدا کرد. در آن زمان آبادان یک بندر بدون تجهیزات بود که مردم بومی برای تجارت از آن استفاده می‌کردند.

۱. أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، القاهرة، أبو عبد الله محمد بن أحمد مقدسی، مكتبة مدبولی، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۱/۱۴۱۱؛ ص ۱۰۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۴۱۲، ۴۱۳
۲. تهران: توس، ۱۳۷۹ ش، صص ۲۴۹-۳۵۰؛ و نیز آثار البلاد و اخبار العباد، القزوینی، زکریابن محمد بن محمود، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳ ش، صص ۴۷۸-۴۸۸ و برگزیده مشترک باقوت حموی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۶ و جغرافیای حافظ ابرو، حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، ج ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۳۹.
۳. جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، و رحله ابن بطوطه / ترجمه، ابن بطوطه، شمس الدین ابی عبد الله محمد بن عبد الله اللواتی الطنجی، ج ۲، تهران: آگه، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۷ و همان، ج ۱، ص ۲۳۳ و الاشارات الی معرفة الزیارات، الهروی، ابو الحسن علی بن ابو بکر، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۳ ق، ص ۷۳ و آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، روایت، ۱۳۷۵ ش، ص ۵۶۸.
۳. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی (نوشته در ۳۷۸)، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ ش، صص ۱-۱۸۰ و مجمل‌التواریخ و القصص، مؤلف مجهول (نوشته در ۵۲۰)، تحقیق ملک‌الشعرای بهار، تهران: کلاله خاور، بی تا، ص ۵۱۲ و بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندر عباس، حسن حبیبی و محمد باقر وثوقی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۰۸ و تاریخ الفی، قاضی احمد تنوی، آصف خان قزوینی، تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۶۰۸ و تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، جلد ۱۵، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵ ش، صص ۶۳۹۹-۹۴۰۰ و صورة الارض، ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصبی، ج ۱، بیروت، دار صادر، افست لیدن، ۱۹۳۸ م، ص ۲۵۰، ۲۴۹، ۴۷، ۴۶، ۲۱، ۱۹، و عجایب الاقالیم السبعة الی نهاية المعامرة، سهراب، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، بی تا، ص ۲۱۴ و مسالك الممالک، اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی، لیدن افست بیروت، دار صادر، ۲۰۰۴ م، ص ۱۴، ۱۳، ۱۴، ۸۸، ۹۰ و نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۴۵ و تاریخ برگزیده، ص ۷۷۱ و رحله ابن بطوطه / ترجمه، ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۴ و حدود العالم من المشرق الی المغرب، مؤلف مجهول، القاهرة، الدار الثقافیه للنشر، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۶۰ و الروض المطعار فی خبر الاقطار، محمد بن عبد المنعم الحمیری، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۴ م، ص ۲۲۵، ۵۲۵، و سفر نامه ناصر خسرو، ناصر خسرو قبادیانی مروزی، تهران: زوار، ۱۳۸۱ ش، مقدمه ص ۶ و البلدان (ابن الفقیه)، ابن الفقیه، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۶ ق، صص ۳۷۷-۳۹۰ و تاریخ واسط، بحشل، اسلم بن سهل الرزاز الواسطی، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۰۶ ق، صص ۶۸-۶۹ و جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۱۰۴، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶.

ساکنان شبه جزیره آبادان در شش سکونت گاه بهمین شیر، صلبوخ، سلاخی، منوحو، قصبه محمره و قصبه نصار زندگی می کردند. در هر یک از سکونتگاه‌ها، روستاها و آبادی‌هایی به وجود آمد. ساکنان این مناطق، طوایف عرب ایرانی سواحل جنوبی خلیج فارس، خوزستانی‌ها و فارس‌ها بودند. بیشتر فعالیت آنان با توجه به محدوده جغرافیایی‌شان کشاورزی، دامپروری و ماهیگیری بود. آب‌وهوای سراسر این مناطق، گرمسیری و مالاریایی بود (لهستانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۸). این منطقه تا اواخر دوره قاجاریه با رشد جمعیتی اندکی به حیات خود ادامه داد. تحولات نیمه اول قرن بیستم تاریخ جدیدی را در حیات این شهر رقم زد.

### تحولات قرن بیستم و تأثیر بر افزایش جمعیت آبادان

در سال‌های اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تحولات بسیاری در سواحل شمالی خلیج فارس رخ داد. بسیاری از تحولات اقتصادی این مناطق تحت تأثیر تحولات جهانی به وقوع پیوست. شدت این تحولات در این مناطق به حدی بود که کارکرد اصلی سواحل خلیج فارس (تجاری) را که از زمان پیدایش مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری سکونت‌ها بود، تغییر داد. کارکرد تجاری سواحل شمالی خلیج فارس در پایان قرن نوزدهم با توجه به بازار جهانی به سمت تک‌محصولی شدن سوق پیدا کرد (سوادگر، ۱۳۵۶: ۹۹). تجارت اسلحه در این مناطق بیش از دیگر کالاها رونق داشت. با تصویب قوانین منع تجارت اسلحه هر چند مبادلات این تجارت کم شد، ولی به‌طور کامل از میان نرفت. تجارت اسلحه به شیوه قاجاق همچنان تا سال‌های بعد، با توجه به درگیری‌های بسیار در این نواحی، پررونق بود. با تصویب قوانین انحصار (سیزدهمین راپورت رئیس کل مالیه ایران، ۱۳۰۴: ضمیمه نمره ۱/۲-۳)، افراد سودجو در دو سوی سواحل با استفاده از ضعف قدرت دولت مرکزی در سواحل شمالی خلیج فارس، این کالاها را به‌طور قاجاق مبادله می کردند. با چنین شرایطی افول تجارت سواحل شمالی خلیج فارس آغاز شد. تحول اصلی تجارت ایران با این شرایط در قرن نوزدهم، افزایش زیاد تجارت با انگلیس از طریق ترکیه، خلیج فارس و هند بود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۰۸-۱۱۰). انگلستان در دو دهه آخر قرن نوزدهم تجارت خلیج فارس را به‌صورت کامل در دست گرفت. انگلستان تلاش کرد با بین‌المللی کردن آبراه کارون بازار غرب ایران را نیز در دست بگیرد و از این طریق با روسیه در شمال رقابت کند (کیانفر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۶۵-۱۶۹).

در نیمه اول قرن بیستم بیشترین مبادلات تجاری سواحل ایران در بوشهر انجام می شد. از کل مبادلات تجاری سواحل شمالی خلیج فارس در سال ۱۹۰۲ م ۱۳۲۰/ ه ق، ۲۳ درصد در بوشهر، ۶ درصد در بندرعباس و حدود ۴ درصد در خرمشهر انجام می شد. باید در نظر داشت که این رتبه‌بندی ۱۲ سال بعد به‌طور کامل تغییر کرد. حجم مبادلات در خرمشهر در مقایسه با دیگر بنادر رشد بسیاری داشت (فلور، ۱۳۸۹، ۵۰). وجود رودخانه کارون در این تحولات

نقش بسیاری داشته است.

سیاستمداران و گروه بازرگانی انگلیس برای تقویت موقعیت تجاری خود در منطقه و سلطه بر بازارهای ثروتمند ایالت‌های مرکزی و جنوبی ایران، حدود نیم قرن پیش از باز شدن رودخانه کارون، تلاش خود را برای بین‌المللی‌شدن این آبراه آغاز کردند. پس از مذاکرات سیاسی طولانی، سرانجام دولت ایران در ۲۵ اکتبر ۱۸۸۸ / ۷ صفر ۱۳۰۵ مسیر رودخانه کارون را از محمره تا اهواز برای کشتیرانی بین‌المللی اعلام کرد، اما کشتیرانی در کارون علیا، از اهواز تا شوشتر در انحصار شرکت‌های کشتیرانی ایرانی بود. انگلستان از این تاریخ به بعد تلاش خود را برای احداث جاده و رونق تجارت در این مسیر به‌طور جدی آغاز کرد. اندکی پیش از گشایش رودخانه، امتیاز احداث راه‌آهنی در طول رودخانه کارون برای سهولت حمل و نقل کالا در اهواز، به تجار ایرانی واگذار شد، اما در ژانویه ۱۸۹۰ / ۱۳۰۷ ق ق امتیاز دیگری از سوی دولت مرکزی به بانک شاهی برای احداث جاده شوسه‌ای از تهران به شوشتر داده شد (انصاری، ۱۳۷۷: ۹۱-۱۰۳). دولت با تأکید بر حقوق انحصاری بانک اعلام کرد، به شرکت مذکور حق تحریم دیگران از حمل مسافر و کالا در این جاده واگذار شده است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۰۵-۳۰۶)، اما یک قسمت از جاده جنوب به نام خوزستان-بختیاری یا جاده لینچ به دلیل غیراقتصادی بودن ساخته نشد (انصاری، ۱۳۷۷: ۹۱-۱۰۳). از سال ۱۹۰۲ م. راه خوزستان به اهواز و داخل کشور زیر نظر شرکت «برادران لینچ» بود که با همکاری انگلیس اداره می‌شد. این شرکت علاوه بر ساختن جاده، کارهای حمل و نقل در رودخانه کارون را نیز بر عهده داشت. هرچند تردد و حمل و نقل مال‌التجاره در این مسیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده بود و در بین سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۲ م. حدود ۳ برابر، بر حجم کالاها افزوده شد، لیکن ساخته‌نشدن جاده خوزستان-بختیاری و خرابی بیش از حد این راه موجب کاهش حمل و نقل این مسیر از سال ۱۹۱۰ م. شد. در طی جنگ جهانی اول در سواحل خوزستان تعدادی از جاده‌ها تسطیح شدند و نسبت به قبل از وضعیت مطلوبی برخوردار شدند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۰۵-۳۰۶).

دولت مرکزی ایران برای افزایش جمعیت جلگه پهناور خوزستان، در نیمه اول قرن بیستم تلاش کرد با یکجانشین ساختن عشایر خوزستان و حمایت از کشاورزان جمعیت این نواحی را افزایش دهد. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم بعد از بازگشایی آبراه کارون بر روی کشتی‌های بین‌المللی نیاز به محصولات کشاورزی افزایش یافت (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۱۷۴) و همچنان در سال‌های بعد نیز تداوم داشت. سرانجام به‌موجب قانون ۱۶ فروردین ۱۳۱۴ به دولت اجازه داده شد که اراضی خوزستان را به اشخاصی واگذار کند که آن‌ها را آباد کنند؛ در نتیجه تصویب این قانون اراضی زیادی در طرفین رودخانه‌ها با نصب تلمبه آبیاری شد و به کشاورزی اختصاص یافت (عدل، ۱۳۴۳: ۱۶۰۱).

دولت مرکزی ایران برای افزایش جمعیت خوزستان و با توجه به مشکلات ایرانی‌های مهاجر در بین‌النهرین و فشارهای زیاد دولت عراق بر ایرانی‌ها، تصمیم گرفت با وضع قوانینی و حمایت

از این مهاجران، آن‌ها را به بازگشت به ایران ترغیب کنند و با سیاست‌های تشویقی آن‌ها در جلگه پهناور و کم جمعیت خوزستان ساکن کند. در شهریور ۱۳۰۶ ش. بیان شد که در به‌طور تقریبی دویست تا سیصد هزار نفر مهاجر ایرانی در نواحی عراق زندگی می‌کنند. دولت عراق بیشترین تعدی و اجحاف را نسبت به مهاجران ایرانی داشت. برای مثال «ایرانی‌ها را از معامله محروم کرده‌اند، به‌طوری که نه او معامله با کسی می‌تواند بکند و نه کسی با او معامله می‌کند. نه طرف بیع می‌تواند واقع شود نه طرف شری». فشار زیادی بر ایرانی‌ها، به‌ویژه اقلیت‌های مذهبی ساکن در آن منطقه وارد می‌شد تا تابعیت کشور عراق را بپذیرند. در چنین شرایطی مجلس با تصویب قانون اعتبار ۱۰ هزار تومان مخارج احصائیه، توزیع تذکره و راهنمایی به اتباع ایرانی مقیم عراق در ۱۹ شهریورماه ۱۳۰۶، و همچنین اختصاص مبلغ یک صد هزار قران از محل صرفه‌جویی اعتبار سال ۱۳۰۵ ش. مخارج غیرمترقبه دولت، به حمایت از مهاجران اقدام کرد. با اعزام مأموران، امکان بازگشت برای تعدادی از ایرانی‌ها که فراهم شده تمایل به بازگشت داشتند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ششم، جلسه صد و چهل و یک).

اقداماتی که در سال ۱۳۰۶ ش. توسط دولت مرکزی انجام شد، تعدادی از مهاجران بین‌النهرین را به نواحی خوزستان بازگرداند، ولی این افراد از بضاعت مالی برای ادامه زندگی برخوردار نبودند. دولت برای کمک به اسکان این افراد، با توجه به این که مساحت زیادی از املاک خوزستان به‌صورت املاک خاصه بود، مقداری از املاک را در اختیار آن‌ها قرار داد تا از طریق کشاورزی امرارمعاش کنند؛ همچنین، قانونی را در ۲۲ بهمن ماه همین سال تصویب کرد که مبلغ ۲۰ هزار تومان برای امرارمعاش به اتباع ایرانی که از بصره به خوزستان آمده‌اند، تعلق می‌گرفت. دولت مرکزی اقدامات دیگری مانند راه‌سازی، خدمات بهداشتی و آموزشی نیز برای اسکان افراد در منطقه خوزستان انجام داد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ششم، جلسه دویست و نه). چنانچه بیان شده تا ابتدای قرن بیستم و قبل از بهره‌برداری از صنعت نفت، همچنان کارکرد تجاری و امنیتی مهم‌ترین عامل جذب جمعیت در منطقه خوزستان بود. در این دوره، دولت مرکزی تلاش کرد کارکرد کشاورزی را به یکی از مهم‌ترین عوامل جذب جمعیت تبدیل کند، اما با توجه به اکتشاف نفت و تغییرات منطقه، این تلاش‌ها نتایج چندانی در بر نداشت.

استخراج نفت از میدان نفتی مسجدسلیمان در سال ۱۲۸۷ ه. ش. به مهم‌ترین عوامل جذب جمعیت در این مناطق تبدیل شد. پس از چند سال با استخراج میزان قابل توجهی نفت و اطمینان از وجود این منبع، شرکت نفت برای پالایش احتیاج به مکان مناسبی داشت. آبادان از نظر جغرافیایی، به سبب برخورداری از آب کافی برای عملیات پالایش و دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس، موقعیت مناسبی داشت؛ به‌این ترتیب اکتشاف نفت و حضور انگلستان تاریخ جدیدی را در حیات این شهر رقم زد. آبادان کنونی نمونه کاملی از شهرهایی است که کاملاً به‌وسیله صنعت ایجاد شده است. رشد جمعیتی آن با احداث پالایشگاه شرکت نفت ایران و انگلیس آغاز شد (لهستانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۶۸).

### احداث پالایشگاه و تأثیرات بر افزایش و ساختار جمعیت

جمعیت شهر آبادان در هنگام احداث پالایشگاه بسیار اندک بود و جمعیتش در آن زمان کمتر از هزار نفر بیان شده است. آقای داویدسون اولین کسی بود که در سال ۱۹۰۹ م اداره شرکت نفت را در آبادان بر عهده گرفت. اولین نامه‌ای که او برای خانواده‌اش نوشت، محل جدید را سرزمین «آفتاب، گل و پشه» نامید. سرزمین آبادان، منطقه‌ای صاف با پوشش گیاهی و جانوری اندک بود، به صورتی که در مواقع سیل‌های ناگهانی او ناگزیر بود از بلم استفاده کند تا بر روی آب شناور باشد (یعقوبی‌نژاد، ۱۳۷۳، ۱۷۰-۱۷۴). فقط چند کپر و مقداری نخلستان وجود داشت (کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ۱۳۲۹: ۱۸۱). اولین وظیفه داویدسون احداث کوره آجرپزی بود که نتایج موفقیت‌آمیزی نداشت؛ سپس، وی اقدام به طراحی و ساخت اسکله کرد. بعد از چند ماه تعدادی از اعضای باتجربه فنی و اداری شرکت نفت برمه به همراه تعدادی تکنسین ماهر از پالایشگاه رانگون برمه به وی پیوستند. با رونق گرفتن کار در آبادان، افراد قبایل مختلف به آبادان مهاجرت کردند.

مجموعه فعالیت‌های وسیع صنعتی در پالایشگاه و احتیاجات روزافزون به نیروی انسانی فعال، سبب مهاجرت عده‌ی کثیری از روستاییان و شهرنشینان مختلف خوزستان و جنوب ایران به بندر آبادان شد (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۳). یکی از قدیمی‌ترین اطلاعات در دسترس درباره‌ی آبادان مربوط به سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م. است که در توصیف آن شهر بیان می‌کند، «اکنون (آبادان) یکی از شهرهای بزرگ و آباد به شمار می‌رود و خیابان‌هایی در آنجا کشیده شده که شب‌ها با الکتریک روشن می‌شود و چنانچه گفتم مردم آنجا از هندی، ایرانی و اروپایی از سی هزار تن بیشتر می‌باشند.» این اطلاعات نشانگر رشد سریع و غیرمعمول یک شهر با جمعیت بسیار اندک است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۰ - ۴۲۲). انگلستان و دولت مرکزی برای جذب جمعیت در محدوده‌ی خوزستان، به‌ویژه شهر آبادان اقدامات عمرانی انجام دادند که مهم‌ترین آن احداث راه و تسهیل در حمل‌ونقل کالا بود.

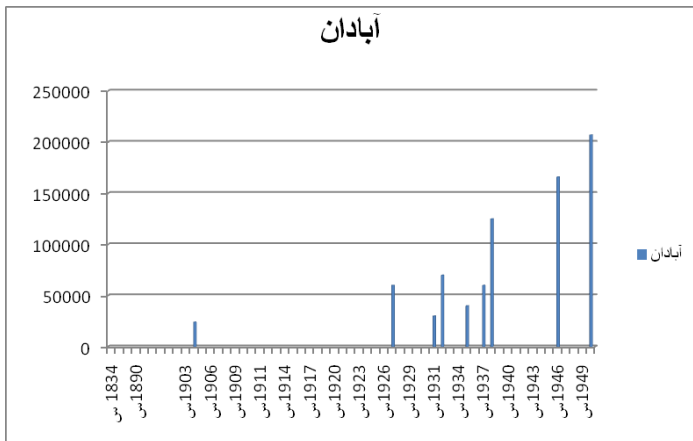
در زمان اکتشاف نفت راه عرابه‌رو در منطقه خوزستان وجود نداشت و حمل‌ونقل وسایل حفاری با زحمت بسیار انجام می‌شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۲۲۴). در راستای تسهیل در حمل‌ونقل، شرکت نفت ایران و انگلیس در حدود ۲۶ فرسخ راه آهن در خوزستان احداث کرد که حدود ۲۱ کیلومتر آن در آبادان بود (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۳۳۶-۳۳۷). بعد از جنگ جهانی اول با افزایش استخراج نفت و گسترش پالایشگاه آبادان، شرکت نفت با توجه به نیازهای خود مسیرها و امکانات حمل‌ونقل جدیدی در مناطق نفت‌خیز احداث کرد. بندرگاه آبادان توسعه بسیار یافت و اسکله‌ای جدید در بوارده و خسروآباد ساخته شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۶۲-۲۶۴). حکومت مرکزی نیز همانند دیگر حکومت‌های قبل در مسیر خوزستان با مشکلات امنیتی روبه‌رو بود (مقامی، ۱۳۳۵: ۱۰۶)، برای حل مشکلات تأمین امنیت، به دستور

رضاشاه دسته‌هایی از مأموران برای تأمین امنیت کارگران در محل جاده‌سازی مستقر شدند و با فعالیت چهار هزار کارگر سرانجام جاده بروجرد و دزفول در سال ۱۳۰۷ ش به اتمام رسید (سردار اسعدبختیاری، ۱۳۹۲: ۲۱۹). منطقه خوزستان از میان دیگر سواحل شمالی خلیج فارس سهم بیشتری از احداث راه‌های شوسه را در دوران رضاشاه داشت. در این منطقه ۱۱ راه شوسه احداث شد (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۱۱۷-۱۲۲؛ همان، ۹۲-۹۴؛ حامی، ۱۳۴۳: ۱۴۷۰). تأمین امنیت، تسهیل در رفت و آمد و حمل و نقل سبب تسریع افزایش جمعیت در منطقه خوزستان شد.

شهر آبادان مرکز و محور صنعت نفت در ایران شد و در مدتی کوتاه این جزیره بسیار کم جمعیت به یکی از ۵ شهر مهم و پرجمعیت کشور تبدیل شد. در سال ۱۹۰۹ م. که محدوده آبادان برای احداث پالایشگاه نفت انتخاب شد، جمعیت آن در چند منطقه کپرنشین ساکن بود که تعداد بسیار اندکی بودند. بعد از شروع فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس افراد مختلفی از اطراف و دیگر نقاط ایران برای امرار معاش به سوی جزیره آبادان مهاجرت کردند. در سال ۱۹۱۱ م. حدود ۸۱۴ نفر در شرکت نفت مشغول فعالیت بودند (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۹).

جدول رشد جمعیتی شهر آبادان در نیمه اول قرن بیستم<sup>۱</sup>

نام شهر	۱۹۰۴-۱۹۰۷	۱۹۲۷	۱۹۳۱	۱۹۳۲	۱۹۳۴	۱۹۳۵	۱۹۳۷	۱۹۳۸	۱۹۴۶	۱۹۵۰
آبادان	۲۴۰۰۰ نفر	۶۰۰۰۰ نفر	۳۰۰۰۰ نفر	۷۰۰۰۰ نفر	۱۳۰۰۰۰ نفر	۴۰۰۰۵ نفر	۶۰۰۰۰ نفر	۱۲۵۰۰۰ نفر	۱۶۶۰۰۰ نفر	۲۰۷۰۰۰ نفر



نمودار رشد جمعیتی شهر آبادان در نیمه اول قرن بیستم

۱. آمارها به ترتیب از منابع زیر اخذ شده اند: (Lorimer، ۱-۸) - (اطلاعات، س ۲، ش ۲۶۷: ۴-۵) - (کیهان، ۱۳۱۱، ج ۲: ۴۶-۴۷۶) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱) به نقل از ویلسون - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۳) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱) - (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۳: ۲۲۹) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱) - (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۱).



جمعیت شهر آبادان در نیمه اول قرن بیستم چنانکه در جدول و نمودار مشاهده می‌شود، رشد بسیار زیادی داشته است. از ابتدای این قرن به‌طور پیوسته تا سال‌های جنگ جهانی اول هر سال، رشد جمعیتی چند برابری داشت. در سال‌های جنگ جهانی اول با توجه به افزایش درگیری‌ها و کاهش بهره‌برداری از صنایع نفتی، رشد جمعیتی منطقه آبادان در مقایسه با سال‌های قبلی و بعدی، دارای سرعت کمتری بود. در سال‌های حکومت رضاشاه، سرعت رشد جمعیتی مناطق نفت‌خیز به‌ویژه آبادان چندین برابر شد. افزایش بهره‌برداری‌ها و گسترش صنایع نفتی همراه با خشک‌سالی‌های شدید در سراسر سواحل شمالی خلیج فارس به‌طور پیوسته در چند سال، سبب مهاجرت گسترده مردم به مناطق نفت‌خیز شد.

نکته قابل توجهی که در آمارهای جمعیتی شهر آبادان همواره باید در نظر گرفته شود، شیوه‌های آمارگیری جمعیتی است. در اکثر آمارها، جمعیت زیادی که در اطراف شهر آبادان با نبود امکانات اسکان یافته بودند و بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد، جزو جمعیت شهر آبادان محسوب نشده‌اند. برای نمونه در سال ۱۳۰۶ ش. آمار جمعیتی این شهر در روزنامه اطلاعات حدود ۶۰ هزار نفر برآورد شده بود که بیش از ۲۵ درصد یا به‌عبارت‌دیگر، حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر در بیرون از شهر سکونت داشتند (اطلاعات، س ۲، ش ۲۶۷: ۴-۵). چنانکه در جدول و نمودار نشان داده شده است، آمار جمعیتی شهر آبادان با ۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۱۰ ش. کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد. این کاهش به سبب شیوه ارائه آمار است؛ زیرا چنانچه بیان شده است، تعداد زیادی از کارگران شرکت نفت در حاشیه شهر آبادان یا در مکان‌هایی مسکونی زندگی می‌کردند که شبیه به سرپنازخانه‌ها توسط شرکت احداث شده بود که به نظر می‌رسد نویسندگان جزو جمعیت شهر آبادان به شمار نیآورده‌اند (کیهان، ۱۳۱۱، ج ۲: ۴۶۶-۴۷۶).

با آغاز جنگ جهانی دوم و نابسامانی اقتصادی ناشی از آن و به‌تبع نابسامانی اوضاع اقتصادی شهر آبادان، مسئولان برای رسیدگی به وضعیت محرومان اقدام به سرشماری شهروندان کردند تا از این راه بتوانند تقسیم‌بندی مواد غذایی را انجام دهند. آقای «سیدنی تیلور» از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس، با سازماندهی نیروی ۷۰۰ نفری در یک روز سرشماری شهر آبادان را انجام داد. نتایج این سرشماری جمعیت آبادان را ۱۲۵ هزار نفر بیان می‌کند (یعقوبی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۲۹). با توجه به اینکه این سرشماری به‌صورت میدانی و خانه‌به‌خانه انجام شد، امکان خطای آن در پایین‌ترین حد ممکن نسبت به دیگر آمارها قرار دارد؛ همچنین، این نتایج نشان‌دهنده رشد جمعیتی چندین برابری شهر آبادان در مقایسه با چند سال پیش است. جمعیت مناطق نفت‌خیز خوزستان در حدود سال ۱۳۲۰ ش. به بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر افزایش یافت (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۳۰-۲۹). چنانچه بیان شد بیشتر مهاجران شهر آبادان، کارگران بودند که با توجه به عملکرد شرکت نفت طبقه بزرگی از کارگران غیرماهر را با شرایط معیشتی حداقلی به وجود آورد.

از آغاز احداث پالایشگاه نفت، ساخت شهر آبادان بر اساس هویت، موقعیت و مصالح

برنامه‌ریزی شد. انگلیسی‌ها هویت شهری واحدی را برای آبادان در نظر نداشتند. استفاده از بانگالو (خانه ویلایی یک طبقه به سبک خاص انگلیسی- هندی که در مستعمره هند پدید آمده بود) در بخش اروپایی‌نشین در مقابل کپرهای حومه شهری آشکارترین نشانه‌های این نوع اندیشه است که انگلستان در کشورهای تحت سلطه‌اش از سال‌های آخر قرن نوزدهم به بعد، این شیوه را آزموده بود (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۶).

در آبادان، به علت هم‌جواری نظام‌های سنتی، شهری و شرکت نفت در یک مجموعه، روابط پیچیده‌ای وجود داشت. ساکنان این شهر در یک طرح طبقاتی شطرنجی (طرح سرمایه‌ی) در کنار یکدیگر قرار داشتند و طبقات اجتماعی به صورت دوقطبی در مقابل هم بودند. در این ساختار دوقطبی، هر قطب در درون خود سلسله‌مراتبی داشت. طبقات اجتماعی در ساختار شهر آبادان نیز نمایان بود.

در سال ۱۹۱۰ م. با تأسیس پالایشگاه نفت، محوطه‌ای هم برای ساخت خانه‌های ویلایی قطعه‌بندی شد. اولین ساختمان را از سازه‌های فلزی با روکش چوبی ساختند و به‌زودی نخستین بنای ویلایی ساخته شد. در نقشه‌های قدیمی الگوی ساده‌ای برای توزیع ساختمان‌ها دیده می‌شود، پالایشگاه، به صورت منظم از کناره شط در خشکی گسترده شده بود. دفترها و ساختمان‌های کاری دیگر را در نواری باریک میان پالایشگاه و رودخانه ساختند. کارگران یا در چادر زندگی می‌کردند یا در خانه‌های کوچک گلی که در جنوب شرقی پالایشگاه مثل سربازخانه ردیف شده بود و محوطه آن‌ها به «کولی لاین‌ها» معروف بود. منطقه ویلایی که به آن بریم هم می‌گفتند، در مرز جنوب غربی پالایشگاه قرار داشت (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۶).

بافت شهر آبادان به سبک انگلیسی ساخته شد، به این صورت که دارای محله‌های مختلف و جدا از هم (درجه‌بندی) با خیابان‌ها و کوچه‌های کم‌عرض و میدان‌های متعددی بود. در واقع، طبقات اجتماعی و نیروهای کارمندی و کارگری به این شیوه جدا می‌شدند. ناحیه صنعتی پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی در قلب شهر در کنار ساحل رودخانه اروندرود احداث شده بود تا انگلیسی‌ها به راحتی فراورده‌های نفتی موردنیاز را از راه آبی حمل کنند. در نزدیکی این واحدهای صنعتی منازل شرکتی اعیان‌نشین کارمندی (بریم و بواره) بود و منازل کارگری را در منطقه بهمن شیر احداث کردند، بعدازاین مناطق کوی کارگری بهار، پیروز آباد، سیکلین و اروسیه احداث شد و محدوده حاشیه شهر که فاقد خدمات بود محل سکونت خانوارهای ایرانی بود (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۴-۳۱۵). استقرار در آبادان بر این اساس بود که نخبگان فنی و مدیران ارشد و همچنین کارگران تا جای ممکن در نزدیکی پالایشگاه، حتی به‌ناچار در دو طرف باشند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۷).

اختصاص محله‌هایی به طبقات و گروه‌های شغلی در شرکت نفت آبادان در طراحی شهر آبادان تأثیر گذاشت. انگلیسی‌ها شدیداً به جدایی فضا، بر اساس جدایی اجتماعی یا نابرابری اجتماعی معتقد بودند و تمام تلاششان بر این بود که یک الگو مکانی منطبق بر الگوهای نابرابر

در صنعت نفت به وجود آورند. از همان ابتدا آبادان شهری دو گانه بود. مدیران و متخصصان شرکت نفت در قسمتی از شهر با فضای رسمی و مناسب بودند، قسمت دیگر فضایی نامناسب بود که توسط مهاجرین به آبادان احداث شد. از نظر اقتصادی شهر آبادان از دو قسمت تشکیل می‌شد یکی صنعتی که ویژه کارخانه‌جات بود و دیگری شهری که بازار، منازل و خیابان‌ها در آنجا واقع بود و محل کسب و کار افراد مقیم آبادان بود. هر نوع اختلاف و تبعیض در این شهر، از نظر انگلیسی‌ها حساب شده و به‌جا بود. در خانه به خانه، کوچه به کوچه و محله به محله، تفاوت به چشم می‌خورد، شرکت نفت برای آن که تماس با مردم شهر نداشته باشد، کانالی بین قسمت شهری و مؤسسات خود حفر کرده بود که عبور از آن برای کسانی که عضو شرکت نفت نبودند، بدون اجاره مسیر نبود (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۴-۳۱۵).

کارکنان شرکت نفت از همان ابتدا در یک ساختار طبقاتی و دوقطبی شروع به فعالیت کردند. دو قطب کارمندی و کارگری، در مقابل با یکدیگر قرار داشتند. این دو قطب در درون خود دارای سلسله‌مراتبی بودند. سلسله‌مراتب کارکنان شرکت نفت به‌صورت یک هرم بود که پایین‌ترین رده آن کارگری بود. رده کارگری خود از پایین به بالا به سه قشر مشخص تقسیم می‌شد. این طبقه را اصطلاحاً در شرکت نفت آبادان طبقه سوم می‌گفتند؛ دومین رده کارمندی‌های معمولی (جرنیوراستف) بودند که در واقع به هفت پایه (گرید) تقسیم می‌شدند. آخرین رده مدیران بود که به چند دسته تقسیم می‌شدند. بالاترین درجه در شرکت نفت معروف به گروه «غیرقابل طبقه‌بندی» یا به عبارتی «فوق طبقه‌بندی» بود. تا قبل از ملی شدن صنعت نفت گروه «غیرقابل طبقه‌بندی» انگلیسی‌ها بودند. سطوح کارمندان عالی مرکب از اروپایی‌ها و تعدادی هندی و عده اندکی ایرانی بود که تعداد آن‌ها در مجموع به ۳۵۰۰ نفر می‌رسید. این عده از وضعیت بهتری در مقایسه با کارمندان معمولی برخوردار بودند. کارمندان معمولی را بیشتر ایرانی‌ها و هندی‌ها تشکیل می‌دادند که بالغ بر ۶۰۰۰ نفر بودند؛ طبقه سوم مرکب از ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر اهالی محلی، شامل کارگران متخصص و کارگران بسیار ساده و غیر ماهر بود که دستمزدشان بسیار کم بود (لهسانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۱۳-۵۲۲).

شرکت نفت برای کارکنان اروپایی خود نقش دولت رفاهی و نماینده بریتانیا در مستعمره را ایفا می‌کرد، اما در برابر تعداد زیاد کارکنان غیراروپایی مسؤولیت چندانی نداشت. نظام اجتماعی کارکنان غیراروپایی تنها بر پایه قوانین کار بود. نابرابری در منابع شرکت و در پاداش‌های اروپاییان و غیر اروپاییان به‌وضوح در شکل فضای شهری و محلات دیده می‌شد. منابع شرکت بیشتر در جهت ساخت مسکن و دیگر امکانات برای کارکنان ارشد هدایت می‌شد. مسکن کارکنان شرکت به سه دسته خانه‌های مجهز با وسایل کامل برای کارکنان انگلیسی و تنی چند از مقامات ارشد ایرانی؛ خانه‌های نیمه مجهز برای کارکنان جزء و غیراروپایی؛ خانه‌های بدون اساس و تجهیزات برای کارگران روزمزد تقسیم می‌شد؛ بنابراین، هر چند جداسازی نژادی به‌طور رسمی انجام نشده بود، اما در عمل با تفاوت در تأمین مسکن،

این جداسازی انجام شد. این وضعیت بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی تأثیر مستقیمی داشت و موجب نابرابری اقتصادی و اجتماعی می‌گردید.

از دهه ۱۹۲۰ م. که آبادان رونق صنعتی گرفت تا سال ۱۹۵۱ م. که سرانجام شرکت نفت ایران و انگلیس از ایران خارج شد، نیروی کار را مستقیماً و یا از طریق پیمانکاران، از جنوب غربی ایران، خلیج فارس و هندوستان جذب می‌شد. در سال ۱۹۵۱ م. جمعیت آبادان بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر شده بود. هرچند که شهر آبادان زیر نظر شهرداری اداره می‌شد، اما بخش بزرگی از آبادان متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس بود و قسمت دیگر آن به‌ظاهر تابع تشکیلات محلی دولت بود و در حقیقت وابسته به فعالیت‌های شرکت نفت بود. امکانات و تسهیلاتی که شرکت در آبادان ایجاد می‌کرد، عمدتاً در خدمت رفاه بیشتر اقلیت اروپایی بود که بخش بسیار کوچکی از جمعیت شهر را تشکیل می‌داد. در واقع می‌توان گفت دیدگاه کلی شرکت در اداره شهر آبادان مبتنی بر تفوق نژادی بود (لهسانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۸-۹۹).

مهاجرت عده کثیری به شهر آبادان موجب گسترش برخی از صنایع و خدمات وابسته به صنعت نفت شد. در سال‌های بعد مجتمع پتروشیمی، دانشکده نفت، فرودگاه بین‌المللی (دومین فرودگاه پس از فرودگاه تهران) (حامی، ۱۳۴۳، ایرانشهر، راه‌های شوسه: ۱۴۹۳)، تأسیس اسکله بارگیری و باراندازی در محدوده گمرک آبادان در ساحل شرق اروندرود، فرستنده موج متوسط رادیویی توسط شرکت ملی نفت ایران به نام «رادیویی نفت ملی» و غیره (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۳-۳۱۴) احداث شد. رشد صنعت نفت بهبودهایی در تسهیلات زیربنایی نیز برای سود تجاری-سیاسی (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷: ۱۹۵) را به وجود آورد. برخی از این امکانات زیربنایی به شرح زیر است:

**کشاورزی و دام‌پروری:** از ابتدای شکل‌گیری شهر جدید آبادان برای برطرف کردن نیازهای اساسی زندگی به مسئله کشاورزی و دام‌پروری توجه شد. در غرب آبادان در کنار اروندرود تأسیسات شرکت نفت، مزرعه بزرگی به نام مزرعه لبنی و مزرعه بزرگ یونجه ساخته شد (لهسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۸). در حوزه گاو‌داری و کشاورزی در سال‌های بعد اقداماتی انجام شد (کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ۱۳۲۹: ج ۲/ ۱۸۲)، اما همچنان خرما مهم‌ترین محصول کشاورزی آنجا بود (کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ۱۳۲۹، ج ۲: ۲۷۹).

**کشتیرانی:** آبادان، با توجه به موقعیت ویژه و عبور و مرور مداوم کشتی‌ها، به یکی از بهترین بنادر در خاورمیانه تبدیل شد. تأسیسات و تجهیزاتی در این بندر احداث گردید که به شرکت ملی نفت تعلق داشت. اسکله‌های متعدد آن فقط اختصاص به صدور مواد نفتی و ورود ماشین‌آلات مورد نیاز شرکت بود، امور بندری آبادان توسط شرکت نفت انجام می‌شد (حامی، ۱۳۴۳: ۱۴۸۷-۱۴۸۶). با وجود بندری، مانند بمبئی و کلمبو که پاسگاه تعمیر کشتی بودند، بعضی از کشتی‌ها از صدها کیلومتر فاصله حتی از غرب هندوستان در نوبت تعمیر اداره

خدمات دریایی شرکت نفت بودند. آبادان دارای ۲۶ اسکله بزرگ و لنگرگاه کشتی‌های بزرگ نفتی بود (لهسایی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

**فعالیت‌های ورزشی:** باشگاه پدیده‌ای کاملاً نو در ایران معاصر است که نخستین بار در آبادان تأسیس شد (لهسایی، ۱۳۸۳: ۳۵۲). فوتبال و شنا از بین ورزش‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفت (لهسایی، ۱۳۸۳: ۳۶۴).

**آموزش و پرورش:** نخستین مدرسه آبادان به شیوه نوین در سال ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۰ م. ساخته شد. در سال ۱۳۰۴ ش. / ۱۹۲۵ م. برای اولین بار اداره فرهنگ آبادان تشکیل گردید. در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۵ ش. / ۲۷-۱۹۲۶ م. اعلامیه‌ای از طرف رئیس معارف خوزستان منتشر شد، مبنی بر اینکه در آبادان ۱۰۰ کودک مشغول به تحصیل هستند. همان‌طور که شهر آبادان در اثر توسعه تشکیلات و مؤسسات نفتی تغییر می‌کرد و وسیع می‌شد، امور مربوط به آموزش و پرورش هم روند تدریجی پیشرفت را طی می‌کرد (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷۵؛ لهسایی، ۱۳۸۳: ۴۵۸-۴۵۹).

**کارخانه برق و آتش‌نشانی:** کارخانه برق کمپانی مرکب از دو دستگاه بود و در آتش‌نشانی حدود ۴۰ نفر آموزش دیده مشغول به کار بودند (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷۵).

**بهداشت و درمان:** پس از تأسیس پالایشگاه در آبادان و با افزایش جمعیت کارکنان شرکت نفت و ساکنان آبادان، مسئله بهداشت و درمان در این شهر روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا کرد؛ زیرا جزیره آبادان به علت شرایط آب‌وهوایی دارای پشه مالاریا بود؛ از سوی دیگر، بیماری وبا شیوع پیدا کرده بود؛ لذا شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م. تأسیسات بهداشتی و درمانی‌ای به کمک دکتر یانگ، رئیس اداره کل تأمین شرکت نفت، به وجود آورد. بیمارستان بزرگ شرکت نفت راه‌اندازی شد. این بیمارستان کاملاً به سبک بیمارستان‌های انگلستان اداره می‌شد و میان بخش‌های کارمندی و کارگری تفاوت بود. در سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م. یک شعبه از اداره صحت تحت نظارت اداره صحت در آبادان تأسیس گردید؛ همچنین، شرکت نفت اقدام به تأسیس یک درمانگاه خارجی کرد و انواع کلینیک‌ها از جمله: کلینیک بررسی و تحقیقات پزشکی و کلینیک آلرژی، کلینیک چشم‌پزشکی، دامپزشکی، درمانگاه‌هایی در پالایشگاه و شش درمانگاه شبانه‌روزی را احداث کرد؛ علاوه بر این، در سیستم بهداشتی یک قرنطینه برای بیمارانی تأسیس شد که گرفتار بیماری‌های مزمن بودند (لهسایی، ۱۳۸۳: ۴۹۹-۵۰۴).

### وضعیت اجتماعی و اقتصادی بزرگ‌ترین طبقه اجتماعی آبادان

کارمندان عالی‌رتبه شرکت نفت که بیشتر از افسران بازنشسته ارتش مقیم هند یا از مأمورین سیاسی مقیم آن کشور بودند بنا به عادت خود، شرفیان را به نظر تحقیر می‌نگریستند. در

شرکت نفت، از ابتدا کارکنان فنی، اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل و مسئولیت‌های اداری داشتند همه انگلیسی بودند. بیشتر کارکنان قسمت اداری، هندی‌هایی بودند که رفتارشان هم مانند انگلیسی‌ها بود. پایین‌ترین رده‌های شغلی هم در دست ایرانیان بود که عمدتاً شامل کارهای ساده و غیرمهارتی می‌شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ج ۳: ۲۷۴-۲۷۵).

شرکت نفت ایران و انگلیس تعداد زیادی از کارکنان انگلیسی، هندی و عراقی را در کمپانی نفت استخدام (سازمان کتابخانه و اسناد ملی، ش: ۱۴۷۸۳/۲۴۰۰ جبل‌المتین، س ۳۲، ش ۲۱: ۶-۷؛ همان، س ۳۵، ش ۲۵: ۱۶-۱۷؛ اسناد وزارت امور خارجه، ک ۵۹، ش ۱۳) کرده بود که با شرایط بهتری نسبت به کارکنان ایرانی و حقوق بسیار بیشتر به کار می‌پرداختند. بر اساس قرارداد نفت داری؛ شرکت نفت برای کارهای ساده باید افراد ایرانی را استخدام می‌کرد و نباید جز در موارد خاصی که ایرانی‌ها نتوان بودند کارکنان خارجی را به کار می‌گرفت (اسناد آرشیو ریاست جمهوری، ۱۳۰۶: نمره ۷۶۶؛ آژند، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۴)، اما کمپانی نمی‌خواست دولت ایران در انجام امور وارد شود؛ به همین دلیل، از کارکنان خارجی استفاده می‌کرد. کمپانی برای آموزش مهارت‌های صنعتی هیچ‌گونه آموزشگاه یا مدرسه‌ای احداث نکرد و حتی در کارهای رخت‌شویی، مهتری و آشپزی (۱۷۲/ ۱، Lockhart, ۱۹۳۸، جبل‌المتین، ۳۷، شماره ۲۷-۲۸: ۱۲؛ همان، ۳۷، شماره ۳۶-۳۷: ۱۲) هم از هندی‌ها استفاده می‌کرد.

شرکت نفت ایران و انگلیس در مسائل اجتماعی و اقتصادی بین کارکنان ایرانی و غیرایرانی تبعیض‌های زیادی قائل می‌شد. رفتار مأمورهای شرکت نفت با کارکنان ایرانی در کنار تحولات داخلی کشور ایران و شرایط اقتصاد جهانی سبب افزایش شکاف بین کارکنان شرکت و هرچه بیشتر دوقطبی شدن ساکنان مناطق نفت‌خیز شد. افزایش اختیارات شرکت نفت تأثیر بسیاری در زندگی اجتماعی ساکنان این شهر داشت. شرکت نفت برای تأمین نیازهای خود و منافع کشور انگلستان، به شرایط سخت زندگی مردم توجه نمی‌کرد؛ برای مثال، زمین‌های موردنیاز از مردم گرفته و به شرکت نفت واگذار می‌شد. در بسیاری مواقع برای تأمین زمین مدنظر، مردم مجبور بودند، خانه‌های خود را نیز واگذار کنند، ولی اقدامی برای کسب رضایت مالکان به عمل نمی‌آمد. وجه پرداختی شرکت نفت ایران و انگلیس کمتر از آن بود که مردم بتوانند با آن خانه‌های دیگر برای خود بسازند. این کار به کپرنشین و حاشیه‌نشینی در اطراف شهر دامن می‌زد و بیماری‌های واگیردار را رواج می‌داد (روزنامهٔ چهارمهر، س ۱۹۲۷، ش ۶ و ۷: ص ۱۷-۱۸). از دیگر مواردی که به کارکنان ایرانی فشار مالی مضاعفی وارد می‌کرد، افزایش بهای روپیه و تنزل قیمت قران بود. شرکت نفت ایران و انگلیس با پرداخت دستمزد کارکنان ایرانی به ازای قران و دیگر کارکنان خارجی به ازای روپیه فشار مالی بیشتری (جبل‌المتین، س ۳۸، ش ۱۶-۱۷: ۲۱-۲۲) را بر کارکنان ایرانی وارد ساخت و موجب دلزدگی آنان از کار در شرکت نفت می‌شد.

۱. در اوائل س ۱۳۴۵ هجری مخبرالسلطنه چهارده هزار جریب زمین‌های مردم رنجبر آبادان را از آنان گرفته و به کمپانی واگذار کرده و وجه پرداختی کمپانی به مردم رضایت بخش نبوده و به میزانی نبوده که مردم بتوانند با آن خانه دیگری برای خود بسازند (روزنامهٔ چهارمهر، ش ۴ و ۵: ۱۶-۲۰).

کارکنان ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس برای بهبود وضعیت خود نامه‌ای به مجلس شورای ملی نوشتند و در آن با بیان مشکلات خود و شرایط سخت کار و حقوق کم، خواستار رسیدگی دولت شدند. برای حل مشکلات، پیشنهاد تشکیل یک هیئت مختلطه، متشکل از دو نفر کارگر یک نفر صنعتگر، یک نفر مستخدم و یک نفر از طرف دولت را دادند تا از این طریق به خواسته‌هایی، از جمله کاهش ساعت کار در تابستان به ۷ و در زمستان به ۸ ساعت، حداقل حقوق دوازده تومان در ماه، تهیه خانه و مریض‌خانه برای کارگران، اخراج نکردن کارگران بدون دلیل، رعایت شئون کاری از جمله پرهیز از ناسزاگفتن و کتک‌زدن کارگران توسط کارفرمایان، رفع اجبار کارگران روزکار به کار شبانه جز در صورت تمایل و دریافت مزد بیشتر، پرداخت حقوق کارگران در صورت نقص عضو یا مرگ آنان در حین کار در شرکت نفت و دخالت نکردن در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کارکنان بعد از ساعت کار دست یابند (حبل‌المتین، س ۳۵، ش ۱۳: ص ۱۶-۱۷). خواسته‌های کارکنان ایرانی حداقل خواسته‌های معیشتی بود که با حمایت نشدن از طرف دولت و کم‌توجهی، برای بهره‌برداری از این منبع عظیم ثروت در جنوب کشور، از میان رفت.

رفتار تبعیض‌آمیز شرکت نفت در مقابل مردم تداوم داشت. در سال ۱۳۱۱ ش. نماینده مجلس شورای ملی این وضعیت را بدین شرح بیان کرده است؛ «اگر از لندن دستور می‌رسید به کمپانی که یک قدری صرفه‌جویی در مخارج بکنند بلافاصله کمپانی هرچه عملجات بود، بیرون می‌کرد. مستخدمین انگلیسی سه هزار تومان، چهار هزار تومان، ده هزار تومان حقوق می‌گرفتند، دست به ترکیب آن‌ها نمی‌زدند، اما صد تومانی را می‌کردند هشتاد تومان، هفتاد تومانی را می‌کردند پنجاه تومان به همین ترتیب از حقوق‌شان کسر کردند ... هر وقت کمپانی می‌خواست صرفه‌جویی کند اعضای ایرانی را بیرون می‌ریخت ... حقوقی که به اجزا می‌دادند یک تفاوت فاحشی مابین ایرانی و انگلیسی بود. اگر مهندس انگلیسی بود هزار تومان حقوق می‌دادند. اگر همان مهندس عین آن کار را می‌کرد و ایرانی بود دویست تومان، سیصد تومان بیشتر حقوق به او نمی‌دادند ... کمپانی نفت جنوب یک حکومتی بود در قلب حکومت ایران. کمپانی نفت جنوب در ۶ سال پیش از این که بنده دیدم پلیس داشت، سوار داشت، آدم مسلح داشت، علاوه بر این‌ها اداره دیپلماسی و اداره سیاست داشت که رابطه‌های سیاسی داشتند با عراق ... یک عده از عملجات ایرانی تقاضای اضافه‌حقوق کرده بودند، البته از زیاد حقوق هم چیزی نبود، مثلاً ده تومانی را یازده تومان می‌خواستند بکنند، برای اینکه این‌ها را بدعادت نکنند، متهمشان کردند به بلشویکی و بالاخره متوسل شدند به حکومت خوزستان حکومت خوزستان هم از برای اینکه بهانه این‌ها را رفع کند و درب دهان این‌ها را ببندد مجبور شد، تقریباً دویست سیصد نفر را تبعید کند مردم را از خانه و لانه‌شان بیرون کردند» (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هشتم، جلسه ۱۱۷).

کارگران ایرانی از حیث حقوق و مزایا پایین‌تر از کارگران انگلیسی، هندی، عراقی و غیره

قرار می گرفتند. در سال‌های قبل از ۱۳۱۲ ش. ۱۹۳۳ م. شرکت نفت ایران و انگلیس حدود ۱۶ هزار نفر کارگر ایرانی داشت که ۸ الی ۱۰ نفر منشی و بقیه کارگران ساده بودند (حبل‌المتین، س ۳۳، ش ۲۰: ۲۱). کارکنان انگلیسی در مقابل شش ماه کار، شش ماه مرخصی با حقوق و همه مخارج رفت و آمد به اروپا، استرالیا و آمریکا دریافت می کردند. به ایرانیان در مقابل ۶ ماه خدمت ۳ ماه مرخصی با نصف حقوق پرداخته می شد. حقوق کارگران هندی و عراقی بی سواد هم، ۳ الی ۴ برابر کارگران ایرانی بود (حبل‌المتین، س ۳۸، ش ۱۶-۱۷: ۲۱-۲۲؛ همان، ش ۱۸: ۲۴). حقوق کارگران ایرانی بین ۸ الی ۱۲ تومان در ماه بود و به آنان هیچ گونه امکانات رفاهی از طرف کمپانی داده نمی شد. کارگران ایرانی در کپرهایی زندگی می کردند که خود در حومه شهر ساخته بودند (روزنامه چهرنما، س ۱۹۲۷، ش ۴ و ۵: ۱۶-۲۰). رفتار تبعیض آمیزی (اسناد وزارت امور خارجه، س ۱۳۰۵، ک ۵۹، ش ۱۰؛ همان، ک ۵۹، ش ۱۵؛ همان، ک ۵۹، ش ۱۶؛ حبل‌المتین، س ۳۳، ش ۱۳: ۱۳؛ همان، س ۳۵، ش ۱۳: ص ۱۶-۱۷؛ همان، س ۳۷، ش ۲۸-۲۹: ۲۸؛ آژند، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۸) از طرف شرکت نفت با کارکنان ایرانی می شد و آن‌ها در مقابل این رفتارها اعتراضاتی (حبل‌المتین، س ۳۷، ش ۲۸-۲۹: ۲۸؛ همان، س ۳۷، ش ۳۲-۳۳: ۱۵؛ آژند، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۱۱) می کردند که در برخی موارد به دلیل همراهی مأموران دولت مرکزی (حبل‌المتین، س ۳۵، ش ۹: ۱۶؛ روزنامه چهرنما، س ۱۳۴۶/۱۹۲۷ ه ق، ش ۱: ۱۰-۱۴)، کارکنان ایرانی مجبور به سکوت می شدند.

فقر معیشتی سبب قدرت بیشتر شرکت نفت در مناطق نفت خیز شده بود. با توجه به ناتوانی دولت مرکزی برای رفع مشکلات مردم، شرکت نفت خود را مالک کامل آن مناطق و جان مردم می دانست. تعداد زیاد کارگران و هجوم پی در پی مهاجران به مناطق نفت خیز باعث شده بود که تعداد زیاد مرگ و میر در آن مناطق بی اهمیت شود؛ همچنین، علت مرگ این افراد نیز هیچ اهمیتی برای دولت مرکزی نداشت. تنها اقدام دولت مرکزی جمع آوری اجساد، توسط ماشین‌های شهرداری از سطح خیابان‌ها بود (محمیایی، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱؛ همان: ۸۴). مهاجران که برای کار در شرکت نفت شناسنامه‌های خود را تحویل داده بودند و هیچ گونه هویت اجتماعی نداشتند. زنده ماندن در آن سال‌ها که قحطی و گرسنگی سراسر کشور به ویژه سواحل شمالی خلیج فارس را فرا گرفته بود، تنها هدف مهاجران بود. ساکنان این نواحی هیچ گاه فقر و بی‌هویتی را به این حد تجربه نکرده بودند (محمیایی، ۱۳۸۱: ۶۶؛ همان: ۹۳). فقر و خشک سالی در سال‌های قبل نیز این مناطق را فرا گرفته بود، اما این بار همراه با تبعیض و بی‌هویتی بود. رفتار و تبعیض‌های شرکت نفت با توجه به فقر معیشتی که سواحل شمال خلیج فارس را با رکود تجارت فرا گرفته بود، منجر به مهاجرت‌های گسترده ساکنان این نواحی به سمت سواحل جنوبی شد. ایرانی‌هایی که به سواحل جنوبی خلیج فارس مهاجرت کرده بودند، زندگی سختی داشتند. با توجه به اینکه بیشتر آن‌ها غیرقانونی مهاجرت کرده بودند، مورد ظلم و تعدی قرار می گرفتند (محمیایی، ۱۳۸۱: ۳۰؛ رزم‌آرا، ۱۳۲۳: ۱۲۶-۱۲۷). دولت مرکزی ایران



نیز اقدامی برای حمایت و یا بازگرداندن آن‌ها به سرزمینشان انجام نداد. در بسیاری از موارد در آبادان و دیگر مناطق نفت‌خیز خوزستان کار وجود داشت ولی دستمزد آن بسیار اندک بود و همان دستمزد کم نیز، قسمتی از آن توسط مقاطعه‌کاران پرداخت نمی‌شد؛ به همین سبب، کارگران ناچار شده است با مشکلات بسیار به سوی سواحل جنوبی خلیج فارس و بصره مهاجرت کنند (محيایی، ۱۳۸۱: ۸۳).

شرایط کارگران تا پایان نیمه اول قرن بیستم با کمی تغییر با همان تبعیض‌ها و اجحاف‌ها روبه‌رو بود. چنانچه در تیرماه ۱۳۲۷ ش. بیان شده است، «کارگران بیچاره‌ای که در این صحرای خوزستان و آفتاب سوزان آنجا کار می‌کنند در نهایت سختی زندگی می‌کنند ... کارگران ایران در یک دخمه‌های تاریکی زندگی می‌کنند که هیچ حیوانی زندگی نمی‌کند؛ مع‌ذلک شرکت این قدر هم نخواست است که کارگران ایرانی داشته باشد و کارگران هندی هم آورده است این همه کارگر هندی برای چه آنجا است؛ در صورتی که در مملکت ما بیکاری به حداعلای خودش رسیده است.» (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پانزدهم، جلسه ۷۹؛ همچنین، کارگران ایرانی از بیمه نیز برخوردار نبودند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پانزدهم، جلسه ۶۲).

ارائه برآورد دقیقی از تعداد ایرانیانی که توسط شرکت به کار گمارده شده بودند، دشوار است، در ایالت خوزستان میان سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۸ م. حدود ۳۰ نفر اتباع هندی انگلیس وجود داشت. این تعداد در سال ۱۹۱۰ م. به ۳۶۸ نفر و در سال ۱۹۱۲ م. به حدود ۱۰۶۷ نفر افزایش یافت (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۹۴). تعداد کارگران ایرانی شاغل در شرکت نفت نیز از ۵۷۰۸ نفر در سال ۱۹۱۳ م. به ۱۶۳۸۲ نفر در سال ۱۹۲۸ م. افزایش یافت (اتابکی، ۱۳۹۲: ۱۹۲-۱۹۳). کمپانی تعداد قابل توجهی کارگر از هند به خوزستان انتقال داد. تعداد کارگران هندی که در زمینه‌های فنی و زیربنایی کار می‌کردند. در سال ۱۹۰۷-۱۹۰۸، (درست پیش از اکتشاف نفت)، حدود ۳۰ نفر اتباع هندی انگلیسی در ایالت وجود داشتند. در ایام جنگ تعداد هندی‌ها به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و در اوایل دهه ۱۹۲۰ تعداد آن‌ها به حدود ۳۰۰۰ الی ۵۰۰۰ نفر می‌رسید.

پرداخت حقوق کم به کارکنان ایرانی و شرایط تبعیض‌آمیز کارکنان خارجی نسبت به کارکنان ایرانی باعث فقر مردم این ناحیه می‌شد. کمپانی با ایجاد بازار تجارت داخلی در شرکت نفت ایران و انگلیس و اجبار کارکنان برای خرید از آنجا باعث خرابی بازارهای داخلی شهر آبادان شد؛ زیرا کمپانی با پرداخت نکردن گمرک اجناس را به بهای کمتری وارد می‌کرد و به صورت ارزان‌تر در اختیار کارکنان شرکت نفت قرار می‌داد؛ بنابراین، عده‌ای از تاجران ورشکسته و عده‌ای دیگر دست به مهاجرت زدند (جبل‌المتین، س ۳۵، ش ۴: ۷). شرکت نفت ایران و انگلیس نفت خام را از ایران صادر می‌کرد؛ در حالی که با تصفیه آن هم عده‌ای از ایرانیان شاغل شدند و هم درآمد بیشتری نصیب کشور ایران می‌شد (م.س. ایوانف، ۱۳۵۶: ۷۳-۷۴؛

فرمانفرمائی، ۱۳۷۸: ۳۵۰) و حتی ساده‌ترین اقلام موردنیاز شرکت مثل میوه و روغن حیوانی را از خارج وارد می‌کرد، در حقیقت کلیه مواد لازم برای تولید نفت از خارج تأمین می‌شد (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۹۵). ایرانیان نیز با توجه به افزایش جمعیت کارگر غیرمتخصص همچنان در خانه‌های حصیری و کپرآبادهای اطراف شهر زندگی می‌کردند.

در سال ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م. شاخص کل هزینه زندگی تقریباً دو برابر و نیم شد، ولی دستمزد کارگران شرکت نفت به همان میزان سابق باقی مانده بود. در طول جنگ جهانی دوم به واسطه تورم و احتکار کالاها هرج و مرج اقتصادی در آبادان حکم فرما بود، اما به علت حضور ارتش بیگانه در این شهر، کارکنان هرگونه مشقت و سختی را تحمل می‌کردند. بین سال ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ ش. کارکنان نفت هم مانند سایر مردم در مضیقه قرار گرفته بودند، اما در آن زمان ارتش‌های آمریکا و انگلستان محتاج به کارکنان و مستخدمان فنی بودند و رقابتی بین ارتش‌های متفقان و شرکت نفت ایجاد شد؛ لذا شرکت در سال ۱۹۴۲ م. بر دستمزد کارگران افزود، ولی ترقی روزافزون هزینه زندگی، کاهش ارزش پول ایران، کمیابی مایحتاج و از همه بدتر کرایه گزاف مسکن، کارکنان را همچنان در شرایط سختی قرار می‌داد. برنامه خانه‌سازی شرکت هم در ایام جنگ جهانی دوم متوقف شده بود. از طرفی افزایش تعداد کارکنان و از طرفی دیگر کمی خانه‌های مسکونی مناسب سختی زندگی را در این مناطق افزایش می‌داد (عباسی‌شهنی، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۱۹۴).

توسعه عملیات پالایشگاه آبادان در دوران جنگ جهانی دوم مستلزم استخدام کارکنان جدید بود؛ چون در ایام جنگ تعداد کارمندان متخصص بسیار کم بود، شرکت نفت نیروی کار متخصص را از چکسلواکی، دانمارک، یونان، سوئیس و فلسطین استخدام کرد تا با شتاب پالایشگاه را توسعه دهند و در همان حال بر تعداد مستخدمان ایرانی شرکت نیز افزوده شد. مهاجران ایرانی بیشتر از شهرهای دیگر استان خوزستان و سپس از استان اصفهان، فارس، یزد و عشایر بختیاری بودند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۳۲-۴۳۶).

کارکنان شرکت نفت برای دستیابی به شرایط بهتر برای زندگی کردن از سال ۱۹۱۴ م. نخستین اعتراضات خود را شروع کردند (فلور، ۱۳۷۱: ۴۳-۴۵)؛ باوجوداین که وضعیت کارگران ایرانی بسیار اسفبار بود و آن‌ها در محله‌های پرجمعیت، کثیف و بدون بسیاری از خدمات عمومی و ضروری چون آب آشامیدنی زندگی می‌کردند؛ ولی در آن زمان کارگران ایرانی نه آمادگی شرکت در اقدامات اعتراضی را داشتند و نه خود می‌توانستند رأساً چنین اقداماتی را سازمان‌دهی کنند (اتابکی، ۱۳۹۲: ۱۹۳). در اعتراضات ۹ دسامبر ۱۹۲۰ بعد از چند روز کارگران ایرانی نیز به معترضان هندی پیوستند. شرکت نفت ایران و انگلیس برای آرام کردن کارگران دستمزد آن‌ها را ۸۰ درصد افزایش داد (فلور، ۱۳۷۱: ۴۴-۴۶)؛ کیبل، ۳۶). بار دیگر در سال ۱۹۲۲ م. اعتراضات کارگری ناحیه شرکت نفت ایران و انگلیس را دربرگرفت. این بار نیز کارگران هندی فعال بودند، اما این اعتراضات نتیجه‌ای دربرنداشت.

سفارت انگلیس پس از این شورش‌ها نسبت به هر فعالیت کارگری با عنوان کمونیستی در حوزه شرکت نفت برخورد کرد و از تعداد کارگران هندی کم کرد (اتابکی، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۹۵؛ فلور، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹). در سال‌های بعد نیز اعتراضات کارگران نتایج چندانی دربرداشت و وضعیت کارگران ایرانی همچنان در شرایط نامطلوبی بود. سرانجام برای بهبود شرایط کارگران دولت پس از اعتصابات سال ۱۳۲۳ ش. بر آن شد که توجه بیشتری به وضع کارگران نفت جنوب کند و در سال ۱۳۲۵ ش. اولین مقررات مربوط به کار بین دولت ایران و شرکت نفت منعقد شد، اما اجرای ناقص آن پیوسته موجب نارضایتی کارگران بود. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ نخستین قانون کار شامل ۴۰ ماده به موجب تصویب‌نامه‌ای آزمایشی وضع شد. مدت آزمایش این قانون یکسال بود و بعد از انقضای این مدت، دولت لایحه جدیدی با در نظر گرفتن مشکلات و مسائلی که ضمن عمل به وجود آمده بود، تقدیم مجلس شورای ملی کرد. طرح جدید در جلسه سه‌شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ از طرف وزیر کار به مجلس شورای ملی تقدیم شد، ولی مطرح و تصویب نگردید (راسخ، ۱۳۴۳: ۱۵۴۳-۱۵۴۴). کارکنان ایرانی شرکت نفت تا قبل از ملی شدن صنعت نفت در ایران، به جز تعداد بسیار اندکی همچنان شهر طبقه‌بندی شده آبادان در پایین‌ترین طبقه اجتماعی و شرایط نامطلوبی زندگی می‌کردند.

### نتیجه

در پیشینه تاریخی برخی از شهرها، کارکردهای متفاوت شهری برای تداوم حیات آنان وجود دارد. آبادان نیز تا قبل از سال ۱۳۰۰ ش. دارای کارکردهای تجاری، نظامی، عبادی و تا حدودی کشاورزی بود و با توجه به موقعیت طبیعی و جغرافیایی، با فرازوفرودهای بسیاری حیاتش تداوم یافته بود. سرانجام اکتشاف نفت، این شهر را به یک شهر با کارکرد صنعتی تبدیل کرد.

اکتشاف نفت و تأسیس پالایشگاه شرکت نفت ایران و انگلیس ساختار شهر آبادان را از نظر سکونتگاه و بر خورداری از امکانات معیشتی و تفریحی به محله‌های کاملاً مجزایی با امکانات متفاوتی تقسیم کرد؛ بر همین اساس، ساختار دوقطبی جمعیتی در این شهر نمایان شد.

شرکت نفت ایران و انگلیس برای توسعه بهره‌برداری از صنعت نفت در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ کارمندان ماهر و فنی و کارگران غیرماهر زیادی را استخدام کرد. با توجه به رویکرد انگلیسی‌ها در مستعمرات خود کارکنان ماهر و فنی اغلب اروپایی بودند و برای کارمندان دفتری بیشتر هندیان را به کار گرفتند. تعداد زیاد کارکنان غیرماهر با دستمزد اندک و بی‌بهره از امکانات رفاهی را ایرانی‌ها تشکیل دادند. در بین این سال‌ها، شرایط داخلی کشور ایران و خشکسالی‌ها مداوم، در مهاجرت مردم برای استخدام در شرکت نفت با حداقل دستمزد برای زنده ماندن بسیار تأثیرگذار بود. تضاد طبقاتی با رشد سریع جمعیت افزایش یافت و طبقه

بزرگی از فرودستان را در این شهر به وجود آورد. افزایش تضاد طبقاتی و شکل‌گیری طبقه فرودستان در روند رشد ناموزون شهر آبادان و ساختار شهر آن نیز کاملاً مشهود است؛ زیرا شرکت نفت ایران و انگلیس تمایز رفاهی و هویتی را در همه شیوه‌های اجرایی خود برای اداره شرکت، تداوم و بهره‌برداری بیشتر اجرا کرد؛ بنابراین، این شهر در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. به یک منطقه متفاوت با دیگر نقاط کشور ایران تبدیل شد که دولت مرکزی کمترین نقش را در اداره آن داشت. در بین سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش. طبقه بزرگ کارگری آبادان با تبعیض‌های نژادی و معیشتی مسئولان شرکت نفت به یک گروه از فرودستان تبدیل شدند، دولت مرکزی با اطلاع از شرایط این طبقه و با توجه به مسائل داخلی کشور و شرایط جهانی اقدام مؤثری برای بهبود وضعیت آن‌ها نتوانست انجام دهد.

## منابع

### منابع فارسی

۱. (۱۳۰۴)، سیزدهمین راپورت رئیس کل مالیه ایران، طهران: مطبعه مجلس.
۲. (۱۳۲۹)، کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور: جلد دوم استان‌های ۵-۶-۷-۸، دوم، تهران: اداره کل آمار و سرشماری.
۳. (۱۴۲۳ ه.ق)، حدود العالم من المشرق الى المغرب، القاها: الدار الثقافیه للنشر.
۴. ابن بطوطه (۱۳۷۶)، رحله ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی‌عبدالله محمد بن عبد الله اللواتی الطنجی، ج ۱ و ج ۲، تهران: آگه.
۵. ابن حوقل (۱۹۳۸ م.)، صورة الارض، ابو القاسم محمد بن حوقل النصیبی، ج ۱، بیروت: دار صادر، افست لیدن.
۶. اتابکی. تورج (۱۳۹۰)، دولت فرودستان فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران، دوم، تهران: ققنوس.
۷. اقتداری. احمد (۱۳۷۵)، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، روایت.
۸. انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب (۱۳۸۲)، نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، تهران: اساطیر.
۹. انصاری. مصطفی (۱۳۷۷)، تاریخ خوزستان، ۱۸۷۸-۱۹۲۵ دوره شیخ خزعل: مطالعه‌ای در خود مختاری ایالتی و تحول، محمد جواهر کلام، تهران: شادگان.
۱۰. ایوانف. م.س (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، هوشنگ ترابی و حسن قائم پناه، تهران: اسلوج.
۱۱. حافظ ابرو (۱۳۷۵)، جغرافیای حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، ج ۱ و ج ۲، تهران: میراث مکتوب.
۱۲. حامی. احمد (۱۳۴۳). راه‌های شوسه، ایرانشهر - نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران،

- دوره اول، شماره ۲۲.
۱۳. حبیبی، حسن و محمدباقر وثوقی (۱۳۸۷)، بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس، تهران: بنیاد ایران شناسی.
۱۴. راسخ، شاپور (۱۳۴۳)، کار و کارگر، ایرانشهر - نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، سال اول، شماره ۲۲.
۱۵. رزم‌آرا، علی (۱۳۲۰)، جغرافیایی نظامی ایران خوزستان، اول، تهران: بی نا.
۱۶. رزم‌آرا، علی (۱۳۲۳)، جغرافیایی نظامی ایران منطقه فارس، اول، تهران: چاپخانه ارتش.
۱۷. سردار اسعدبختیاری، جعفرقلی خان (۱۳۹۲)، خاطرات سردار اسد بختیاری (جعفرقلی خان سردار بهادر)، ایرج افشار، سوم، تهران: اساطیر.
۱۸. سعدیان، عبدالحسین (۱۳۶۰)، دایره المعارف سرزمین و مردم ایران، تهران: مجله علم و زندگی.
۱۹. سلطانی بهبهانی، سلطانعلی (۱۳۴۲)، بنادر ایران در خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو.
۲۰. سوادگر، محمد (۱۳۵۶)، نظام ارباب، رعیتی در ایران، تهران: بی نا.
۲۱. سیادت، موسی (۱۳۷۴)، تاریخ جغرافیائی عرب خوزستان، اول، تهران: چاپ سعدی (موسسه چاپ و نشر آژان).
۲۲. طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ابو القاسم پاینده، ج ۱۵، تهران: اساطیر.
۲۳. عباسی شهنی، دانش (۱۳۸۳)، تاریخ مسجد سلیمان از روزگاران باستان تا امروز: تاریخ تحولات صنعت نفت، چاپ سوم، تهران: هیرمند.
۲۴. عدل، سیداحمد حسین (۱۳۴۳)، کشاورزی، ایرانشهر - نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، سال اول، شماره ۲۲.
۲۵. عیسوی، چالز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه.ق)، یعقوب آزند، دوم، تهران: گستره.
۲۶. فرمانفرمائی، منوچهر (۱۳۷۸)، از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران، تهران: تاریخ ایران.
۲۷. فلور، ویلم (۱۳۷۱)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران ۱۶ اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران ۱۹۰۰ - ۱۹۴۱، ابوالقاسم سری، اول، تهران: توس.
۲۸. فلور، ویلم (۱۳۸۹)، بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس، سید قاسم یاحسینی، اول، بوشهر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان بوشهر: شروع.
۲۹. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۱)، سفرنامه ناصر خسرو، تهران: زوار.
۳۰. قمی، حسن‌بن محمدبن حسن (۱۳۶۱)، تاریخ قم، حسن‌بن علی‌بن حسن عبد الملک قمی، تحقیق سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
۳۱. کرزن، جرج. ن (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، جلد دوم، وحید مازندرانی، دوم، ۱۳۶۲، تهران: مرکز علمی و فرهنگی.
۳۲. کیانفر و استخری و پروین عین‌الله (۱۳۳۶). کشف تبلیس یا دورنی و نیرنگ انگلیس، دوم ۱۳۶۳، تهران: زرین.

۳۳. کیبل، جیمز (۱۳۷۷)، طرح سری مداخله در آبادان، جمشید زنگنه، اول، تهران: روزنه.
۳۴. کیهان، مسعود (۱۳۱۱)، جغرافیای مفصل ایران ۳ اقتصادی، تهران: مطبعه مجلس.
۳۵. ----- (۱۳۱۱)، جغرافیای مفصل ایران ۲ سیاسی، تهران: مطبعه مجلس.
۳۶. لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی آبادان، دوم، ۱۳۸۵، تهران: کیان مهر.
۳۷. بهار، محمدتقی (بی تا) مجمل التواریخ و القصص، تهران: کلاله خاور.
۳۸. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ مؤسسات جدید تمدنی در ایران، جلد سوم، دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. محیایی، ابراهیم (۱۳۸۱)، گذر از سرمنزله عقا، اول، تهران: ذوی القربی.
۴۰. مقامی، جهانگیر (۱۳۳۵)، سفرنامه دمورگان ۱۳۲۶ قمری - ۱۹۰۸ میلادی، اول، تهران: کتابفروشی طهوری.
۴۱. یعقوبی نژاد، علی (۱۳۷۳)، رئیس نفت، تهران: یادواره کتاب.
۴۲. ابن الفقیه (۱۴۱۶ ه.ق)، البلدان، احمدین محمدین اسحاق الهمدانی، بیروت: عالم الکتب.
۴۳. الحمیری، محمدین عبدالمنعم (۱۹۸۴)، الروض المعطار فی خبر الاقطار، بیروت: مکتبه لبنان.
۴۴. الهروری، ابوالحسن علی بن ابوبکر (۱۴۲۳ ه.ق)، الاشارات الی معرفه الزیارات، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

### ب) منابع انگلیسی

1. L. Orimer (1989). Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia, V8, Archive Edition
2. Lockhart (1938). The Record of the Anglo-Iranian Oil Company. LTD (1901-1910), London: Britannic House, Vol 1.

### ج) اسناد و مطبوعات

۱. اسناد آرشیو ریاست جمهوری، ۱۳۰۶:نمره ۷۶۶.
۲. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵، کک ۵۹، ش ۱۰.
۳. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵، کک ۵۹، ش ۱۵.
۴. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵، کک ۵۹، ش ۱۳.
۵. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵، کک ۵۹، ش ۱۶.
۶. اطلاعات، سال ۲، شماره ۲۶۷.
۷. چهره نما، سال ۱۳۴۶/۱۹۲۷ ه ق، شماره ۱.
۸. چهره نما، سال ۱۹۲۷، شماره ۴ و ۵.
۹. چهره نما، سال ۱۹۲۷، شماره ۴ و ۵.
۱۰. چهره نما، سال ۱۹۲۷، شماره ۶ و ۷.
۱۱. جبل‌المتین، ۳۷، شماره ۳۶-۳۷.

۱۲. جبل‌المتین، سال ۳۲، شماره ۲۱.
۱۳. جبل‌المتین، سال ۳۳، شماره ۱۳.
۱۴. جبل‌المتین، سال ۳۳، شماره ۲۰.
۱۵. جبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۱۳.
۱۶. جبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۲۵.
۱۷. جبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۴.
۱۸. جبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۹.
۱۹. جبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۱۳.
۲۰. جبل‌المتین، سال ۳۷، شماره ۲۷-۲۸.
۲۱. جبل‌المتین، سال ۳۷، شماره ۲۸-۲۹.
۲۲. جبل‌المتین، سال ۳۷، شماره ۲۸-۲۹.
۲۳. جبل‌المتین، سال ۳۷، شماره ۳۲-۳۳.
۲۴. جبل‌المتین، سال ۳۸، شماره ۱۶-۱۷.
۲۵. جبل‌المتین، سال ۳۸، شماره ۱۶-۱۷.
۲۶. جبل‌المتین، سال ۳۸، شماره ۱۸.
۲۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سند شماره: ۴۰۰۱۴۷۸۳.
۲۸. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پانزدهم، جلسه شصت و دو.
۲۹. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پانزدهم، جلسه هفتاد و نه.
۳۰. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ششم، جلسه دویست و نه.
۳۱. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ششم، جلسه صد و چهل و یک.
۳۲. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ششم، جلسه صد و چهل و یک.
۳۳. مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هشتم، جلسه صد و هفده.